

## در خجستگی «روز بنیاد»

هممیهنان، همزمان،

در گریودار جنگ جهانگیر دوم، که همه‌ی بخش‌های ایران کنونی نیز به اشغال ارتش‌های سه امپریالیسم روس، انگلیس، و آمریکا درآمده بود و هر یک بر گوشه‌ای از آن دست در چپاولگری و زشت‌کرداری داشتند، در واکنشی سرشتی، تکاپوهای سلطه‌ستیزانه در میان ملت ما جان‌مایه‌ای فزاینده گرفت.

در فضای اجتماعی ویژه‌ای که در پی دست‌اندازی لشکریان بیگانه به میهن بی‌طرفمانده‌ی ما پدید آمد و بسیاری از عنصرهای قدرت‌طلب را به مزدوری کشاند، پاره‌ای از چهره‌های خوش‌نام، پس از سال‌ها کنارگذاشته‌شدن و زیرفشربودن، به پشتیبانی مردم به میدان آمدند و چند سازمان سیاسی ناوابسته هم شالوده‌ریزی گردید. از آن میان، اندک‌شمار جوانان خودساخته با شناخت نیاز ملی ایرانیان در انجمنی نهانی گرد آمدند و به کارآوری‌های پراکنده بر ضد اشغالگران بیگانه و دست‌پروردگان آنان پرداختند.

این آرمان‌خواهان جوان با برداشتی تاریخی از بافت و زندگی اجتماعی ملت خود در شامگاه پانزدهم شهریورماه یکهزاروسیصدوبیست‌وشش در نشست پرشور سازمان فرهنگی و سیاسی آشکاری را بنیاد گذاردند که چندی بعد «مکتب پان‌ایرانیسم» نام گرفت.

چنین کار ارزنده‌ای در زمانه‌ای انجام شد که، در ایران بلازده، خودباختگی به گونه‌ی بیماری همه‌گیر درآمده و روشنفکر نمایان چپ و راست به گمان‌پروری‌های ناسازوار با قانونمندی‌های زندگی اجتماعی بشر روی آورده و شماری از مردم ساده‌دل را به دنبال کشانده و، برای درمان همه‌ی آفت‌های به‌زندگی‌ملی‌رسیده، به قدرت‌های بیگانه چشم دوخته بودند.

اما در همین حال، بارقه‌ی نوینی در شناسه‌ی فرهنگ خودی نمایان شد؛ و زنان و مردان بیدار دل به‌پیشوایی مصدق بزرگ با بهره‌وری از آزمون‌های خیزش مشروطیت به‌پاخاستند و زمامداران دست‌نشانده‌ی دشمن را به عقب‌نشینی واداشتند؛ و، از یک سو، جنبش ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور را به ثمر رساندند و، از سوی دیگر، دولتی میهن‌گرا و آزادی‌خواه بر سر کار آوردند.

در آغازهای این پیروزی درخشان، شماری از پرورش‌یافتگان «مکتب پان‌ایرانیسم»، که در همه‌ی پیکارهای رهایی‌بخش کوشا بودند، پاره‌ای از دیگر پیروان آرمان یادشده را نیز به گسترش کارهای سیاسی برانگیختند و، در پرتو مردم‌سالاری برقرارگردیده، در یکم آبان‌ماه یکهزاروسیصدوسی، حزب ملت ایران را پی‌افکنند و آن را به گونه‌ی یکی از پایگاه‌های اصلی پشتیبانی از دولت مصدق استعمارشکن درآوردند.

گرچه پس از مدت کوتاهی برخی از پیمان‌سپردگان به این حزب ملت‌گرا باز هم راه نفاق پیش‌گرفتند و سازمان سیاسی دیگری سرهم‌بندی کردند که بازیگری‌های شکبرانگیز داشت و سرانجام نیز گردانندگان آن تن به سازش خفت‌باری با دشمنان مردم دادند؛ ولی حزب ملت ایران به رزمی وقفه‌ناپذیر در راستای یکپارچگی و آزادی و آبادی میهن پرداخت و همواره در کنار مردم بود و، به‌رغم گسستی که با کودتای بیست‌وهشتم مردادماه

یکهزاروسیصدوسی‌ودو در روند سلطه‌زدایی در این کهن بوم‌پر پدیدار شد، در همه‌ی سال‌های سیاه اختناق، از

ایستادگی و کوشش بازماند تا سرانجام از پیشگامان انقلاب گردید.

با این رستاخیز بزرگ، حزب ملت ایران، همچون دیگر سازمان‌های سیاسی ایستاده‌به‌خود، امیدوار بود تا، در نظم انقلابی، نه تنها استقلال ملی و آزادی‌های فردی و اجتماعی از هر گزندى به دور بماند و عدالت همگانی گسترش یابد، بلکه با بهره‌گیری از داده‌های سرزمینی سرشار و نیروی انسانی خروشان، دوران سازندگی کشور آغاز گردد و مردم به بهروزی رسند؛ اما هنوز نبض توفندی انقلاب از تپش بازنايستاده، تاروپود سامان حکمروایی بر کشور را با چنان واپس‌گرایی تنیدند که با فرهنگ ملی جوشیده از پیوند ایرانیگری و اسلام‌باوری سخت بیگانه بود و بساط یکه‌تازی فراگیر سر از نو گسترده گردید و مردم بپاخاسته همچنان در شوربختی و پریشانی فروماندند.

در چنین وضع نابهنجاری، حزب ملت ایران از هر انتخابات نمایشی پس از شبه‌کودتای سی‌ویکم خردادماه یک‌هزار و سیصد و شصت، که برای ظاهر آراسته دادن به جمهوری اسلامی به‌دورافتاده از راه راستین انقلاب انجام می‌گرفت، کنارمجویی نمود. سپس، در برابر پافشاری سردمداران جمهوری اسلامی در به کار بستن برنامه‌های واپس‌گرایانه زیر پوشش این قانون اساسی پرنقص، که مورد دست‌یازی دیگری هم قرار گرفته و به‌کلی «حقوق ملت» در آن پای‌مال گردیده بود، به چاره‌گری دلیرانه‌ای پرداخت.

حزب ما با بررسی‌های همه‌جانبه در اوج خودکامگی و وحشت‌برانگیزی برکرسی‌قدرت‌نشستگان زنده‌داشت جدول ارزش‌های انقلاب و بازنگری در قانون اساسی را به‌نحوی که پایندان جدایی دین از دولت و برقراری مردم‌سالاری باشد خواستار شد.

در این میان، پس از صحنه‌آرایی‌های تازه‌ای که در انتخابات هفتمین دوره‌ی رئیس‌جمهوری اسلامی صورت پذیرفت، بخش بزرگی از مردم، به‌ویژه نسل جوان، به پای صندوق‌های رأی‌گیری رفتند و نامزدی را که از غربال شورای نگهبان گذشته بود، ولی گفتار و کردار دیگری جز پیشینیان داشت و نویدهای بسیار پیرامون نهادینه کردن آزادی و قانون‌گرایی می‌داد به پیروزی رساندند.

در سال گذشته، در چنین روزی، حزب ملت ایران با کوله‌باری از آزمون‌های تاریخی گوشزد کرد «گرچه از این ساختار چندقطبی آشفته نمی‌توان در انتظار اعجاز و دگرگونی ریشه‌دار دلخواه مردم بود؛ اما در چهارچوب همین قانون‌اساسی، که مورد تأیید رئیس‌جمهوری اسلامی است و، بر طبق نص صریح، اجرای آن را بر عهده دارد، اگر حسن‌نیت در کار باشد، چه‌بسا بشود در راستای فضای سیاسی باز و ایمنی قضائی گام‌های استواری برداشت» و راهکارهایی نیز در این باره نشان داد. اما اکنون، پس از افزون بر سیزده ماه از ادای سوگند و به‌تن‌کردن ردای رئیس‌جمهوری اسلامی، می‌توان گفت این مدت بیشتر به لفظ‌پردازی گذشته تا کارآوری و، اگر که نهادهای سرکوبگر اندکی از شاخ‌وشانه کشیدن‌های خود کاسته‌اند، ولی هنوز بازداشت‌های خلاف قانون دنباله دارد و از گردهمایی و نمایش‌های اعتراض‌آمیز، که حق بی‌چون‌وچرای مردم است، جلوگیری به عمل می‌آید.

وضع اقتصادی کشور چنان برهم‌ریخته که گرانی مهارگسیخته و کاهش ارزش پول ملی مردم را دچار فقر سیاه و خانمان‌برانداز کرده است. درست است که اقتصاد بیمار کشور میراث دو برنامه‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی سردار سازندگی با رهنمودهای غرض‌ورزانه‌ی بانک جهانی می‌باشد؛ ولی این انتقاد هم به رئیس‌جمهوری اسلامی کنونی وارد می‌باشد که چرا حقیقت را با مردم در میان نمی‌گذارد و می‌کوشد دشواری‌ها را با زدوبندهای پشت‌پرده از جلوی راه خود بردارد.

در زمینه‌ی سیاست خارجی به‌بن‌بست‌رسیده نیز، گرچه رئیس‌جمهوری اسلامی کنونی سخنان دل‌نشینی به میان

آورده و از تنش‌زدایی دم زده، ولی در برابر دولت‌های سرمایه‌داری صنعتی، که تنها در پی چپاول سرزمین‌های واپس‌نگه‌داشته‌شده می‌باشند، تا کنون جهت‌گیری روشنی نکرده است و، در رابطه با کشورهای استعمارساخته‌ی هم‌جوار، نیز به هیچ وجه در راستای سود و صلاح ملی گام برنداشته و حتی آب به آسیاب دشمنان شناخته‌شده‌ی این نیاخاک خدایی ریخته‌است.

از این رو، حزب ما به خجستگی پنجاه‌ویکمین سالگرد «روز بنیاد» بار دیگر از همه‌ی ایرانیان بیدار دل، همه‌ی سازمان‌های سیاسی دگراندیش، و همه‌ی گروه‌های اجتماعی سازنده می‌خواهد تا دست‌کم با وحدت عمل برای درهم‌پیچیدن تومار قلدری و استیفای حقوق ملت و برپایی سامانی مردم‌سالارانه به‌پاخیزند.

پیروز باد ملت، خجسته باد روز بنیاد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران